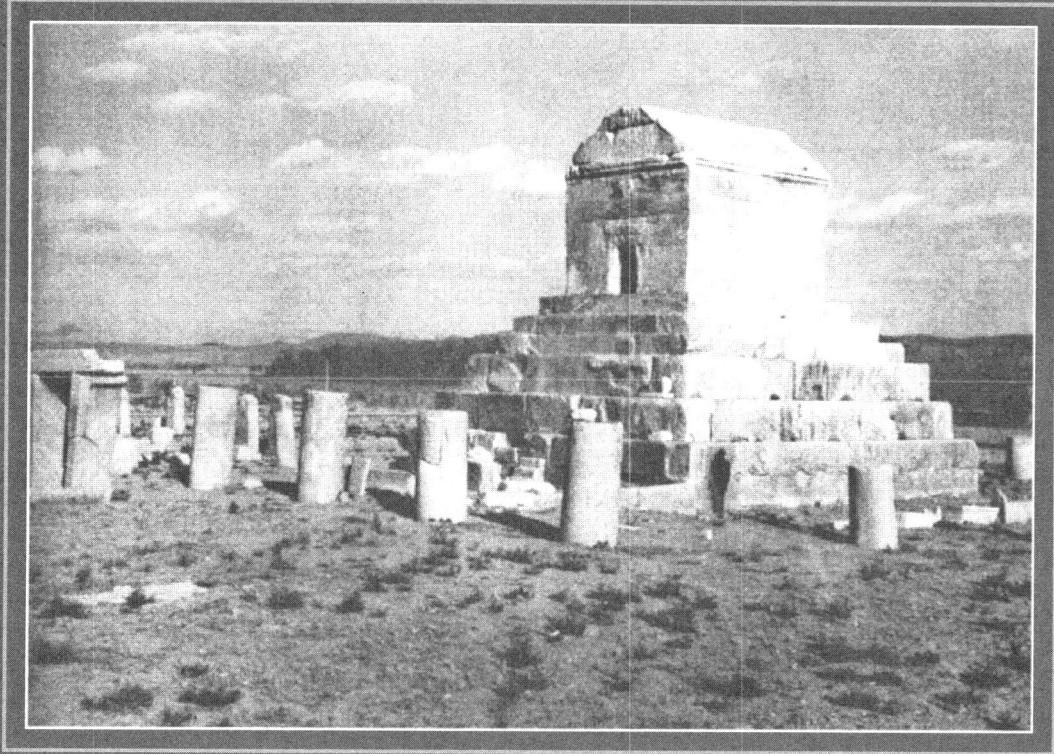




آرامگاهی برای کاساندان



انتشار گزارش نهایی سال‌ها حفاری در پاسارگاد (استروناخ، ۱۹۷۸)، انگیزه تفکراتی بیشتر، در مورد یک محل سلطنتی گردید که در گذشته توجه ثمربخش شخص پروفیسور دوشن گیمن را نیز به خود جلب کرده بود. در میان آثار به جای مانده در دشت، دو اثر وجود دارد که تعدادی از دانشمندان، آنرا آرامگاه کوروش دانسته‌اند. یکی از آنها آرامگاهی اطاقی است که در تعلق آن به کوروش اتفاق نظر وجود دارد، و دیگری ویرانه‌های برجی است موسوم به زندان سلیمان که زمانی برجی بلند بوده است.

درباره آرامگاهی کوروش، که از جمله اولین آثاری است که مسافران ایران زمین به توصیف آن پرداخته‌اند، مطالب فراوان نوشته شده است (همانجا: ۴۳ - ۲۴)؛ و تلاشهای بسیار به عمل آمده تا خاستگاه عناصر متعدد معماری آن از آرامگاههای لیدی گرفته تا زیگوراتهای عیلام معلوم گردد. در هر حال در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که منبع الهام هر چه بوده، خود آرامگاه بی‌همتا به نظر می‌رسد (به جز نمونه محقرتری از آن که بعدها و احتمالاً به عنوان آرامگاه کوروش جوان در بوزپار ساخته شده است.^(۱))

به نظر می‌رسد آنچه موجب یکتایی مقبره کوروش می‌شود، طراحی آن برای منظوری خاص، یعنی جای دادن به پیکر شخصی، با شکوه و شاهوار، جهت تدفین است. ضمناً جلوگیری از نشت کمترین آلودگی به جهان خارج نیز مدنظر بوده است اتاق آرامگاه که از سنگ ساخته شده بر فراز سنگی با ارتفاعی بلند و چشم‌گیر قرار گرفته است. دیوارهای خود اطاق ضخیم‌اند و ورودی باریک آن، رو به شمال - غرب واقع شده که به دلالتی کم ارتفاع منتهی می‌شود. زمانی این مدخل با در سنگی دولتی بسته می‌شد. بام اطاق از سنگ صاف ساخته شده است و فضایی خالی بین بام درونی آن و بام سنگی دوم که به شکل دو شیبی است، وجود دارد. به نظر می‌رسد این فضای خالی بین دو بام، تمهیدی عملی برای کاهش فشار روی دیوارها بوده ضمن اینکه موجب حفاظت مضاعف در برابر آلودگی می‌شده است، زیرا هیچ پرنده‌ای نمی‌تواند روی بامی که مستقیماً بالای جسد قرار گرفته، بنشیند؛ و با وجود آنکه بام از سنگ ساخته شده، آثاری هر چند نا چیز از نا پاکی را انتقال داده، موجب آلودگی گیاه یا زمین شود.

تنها آذین این بنا که به طرز باشکوه، جنبه کارکردی دارد، نقش گل سرخ بزرگی بود که در ستوری بالای در نقر شده بود. وقتی اولین مسافران اروپایی در قرن هفدهم^(۲) از

چکیده

در این مقاله پروفیسور مری بویس با دلایل متعدد سعی در اثبات این معنا دارد، که آنچه به زندان سلیمان معروف است، چیزی نیست جز آرامگاه گروهی برای کاساندان، ملکه محبوب کوروش؛ و دیگر همسران و خویشان او. فضای موجود میان دو لایه سقف مقبره کوروش، و «زندان» نه محلی برای جای دادن به پیکری دیگر بلکه به منظور پرهیز از آلودگی محیط زیست بوده است. شباهت‌های عمده میان شیوه معماری آرامگاه کوروش و زندان سلیمان، تزئینات به کار رفته و استفاده از عدد سه در هر دو، قرائنی است که نظر پروفیسور بویس را بیشتر مقرون به صحت می‌سازد.

بویس در این مقاله با مقایسه این بنا و کعبه زردشت در تخت رستم به این نتیجه می‌رسد که از دو بنای فوق بعنوان آرامگاه پادشاهان هخامنشی استفاده نمی‌شده است. به نظر می‌رسد که زندان سلیمان بنایی آرامگاهی برای کاساندان ملکه محبوب کوروش بوده است.

کلید واژه

زندان سلیمان - مقبره کوروش - کاساندان

این آرامگاه دیدن کردند این نقش گل سرخی، بطور کامل حفظ شده بود، اما از آن زمان تاکنون سنگ بالایی انتهای ستوری ناپدید گردیده، و نقش تزئینی چنان آسیب دیده است که چاره‌ای جز کشف مجدد بقایای ضعیف آن، در سال‌های اخیر نبوده است (همانجا: ۳۵). آذین گل سرخی به طرزی نمایان، به سه قسمت تقسیم شده بود: یک صفحه بزرگ خارجی، متشکل از گلبرگ‌های نوک تیز مثلثی شکل که یک در میان، بزرگ و کوچکند. در داخل این صفحه دایره‌ای ۲۴ گلبرگ دیگر که گرد است، قرار دارد و در مرکز دایره‌ای دیگر متشکل از ۱۲ گلبرگ جای گرفته است. نوک تیز دایره بیرونی گلبرگها باعث شده، کسی که آنرا مجدداً کشف کرده بود، در آغاز تصور کند، صفحه قرص خورشید دارای حلقه آتش (همانجا: ۱۵۸) است،^(۳) اما از آن زمان به بعد وجود آذینهای گل سرخی مشابه، در هنر یونان، و لیدیه باعث شده وی به این نتیجه برسد که این کنده کاری در واقع نمایانگر تجسم یک گل است. آشکار است، این گل برای کوروش است که آنرا برای آذین آرامگاه خود اختیار کرده؛ و ارزشی فراتر از زیور داشته و بسا که او، یا روحانیون او، آنرا به عنوان نماد بی‌مرگی روح که شاه امیدوار بود در بهشت بالا، بدان رسد برگزیده بودند. این نظر با باورهای زرتشتی سازگار است، زیرا امشا اسپنته امرتات خدای آفریننده گیاهان است و در جاهای دیگر با گلی نمایش داده شده است.

اهمیت عدد آئینی ۳ در امور خاک سپاری، از ویژگی‌های زرتشتیگری و دین باستانی ایرانیان است؛ و به همین ترتیب در جزئیات طرح آرامگاهها، اهمیتی ویژه داشته است. بدین جهت سه ردیف تحتانی جایگاه پلکانی، به طور یکنواخت عمیق‌تر از سه ردیف فوقانی است. طوری که بنا به سه بخش تقسیم شده^(۴) و آذین گل سرخی بزرگ، دارای سه حلقه گلبرگ بوده است.

به نظر می‌رسد آرامگاه کوروش در جنوب غربی دشت، و در داخل محوطه اختصاصی خود که در آن خانه‌ای کوچک برای روحانی مراقب بنا ساخته بودند، در انزوا قرار داشت. کمی دورتر، در ضلع شمالی کاخ‌های پاسارگاد، ویرانه‌های زندان سلیمان قرار دارد (همانجا: ۱۳۷ - ۱۱۷). طبق تخمین این برج که روی پا سنگ سه پله واقع شده، اندکی بیش از ۱۴ متر (حدود ۴۶ پا) ارتفاع داشته است. این برج چهارگوش یکپارچه از سنگ ساخته شده بود. قسمت پایین توپر بود و یک پلکان خارجی باشکوه، که آن نیز از سنگ مکعبی شکل ساخته شده بود، از محوطه‌ای سنگفرش در جلو به دری در

قسمت بالایی بنا منتهی می‌شد. این در که رو به شمال غرب قرار داشت، به تنها اطاق برج باز می‌شد که فاقد پنجره بود. در بالای در، دو پنجره کاذب کوچک و بیست پنجره کور دیگر که در آنها سنگ سیاه تعبیه شده بود، قرار داشت به طوری که در زمینه سنگ سفید، بقیه بنا خودنمایی می‌کرد. این پنجره‌ها در سه ردیف بکار رفته شده بود تا این احساس را ایجاد کند که، برج از سه طبقه ساخته شده است. تعبیه ورودی اطاق به وسیله یک در سنگی دولتی بسته می‌شد، و تکه سنگی که گمان می‌رود پاره‌ای از یکی از لنگه‌های این در باشد با ردیفی از گل‌های دوازده پر تزئین شده است. اطاق مستطیل، ۳/۲۱ متر پهنا و ۴/۳۷ متر بلندا و احتمالاً ۳/۹۸ متر درازا داشته است (تقریباً ۱۰ فوت و شش اینچ * ۵ اینچ * ۱۳ فوت). اطاق بسیار ساده بود و سقفی دوگانه داشت. سقف داخلی صاف و سقف خارجی به شکل هرمی کم ارتفاع بود.

این برج را می‌توان به طور قطع متعلق به دوران کوروش دانست. علت این اطمینان، کیفیت عالی سنگچینی (فاقد هر گونه اثر قلم دندان‌های است)، استفاده از سنگ‌های متضاد سفید و سیاه و شکل خاص آذین‌های گل سرخی است که می‌توان تاریخ دقیق ساخت آنها را بین ۵۴۱ و ۵۳۰ پیش از میلاد تعیین کرد؛ و با وجود تفاوت بارز شکل آن با آرامگاه کوروش، شباهت میان دو بنا بیش از آن است که بتوان هدف دیگری جز خاک سپاری برای آن قائل شد. در هر دو مورد اطاقی ساده، کوچک و بی‌پنجره با دسترسی محدود، با هزینه و تلاش فراوان، در ردیفهایی از سنگ سخت و یکپارچه بالا برده شده و با سقفی مضاعف از سنگ پوشانده شده است. هر دو بنا جهتی واحد، یعنی روبه شمال غرب دارند^(۵) در هر دو بنا عدد ۳ در تقسیمات و جزئیات معماری اهمیتی ویژه دارد؛ و در هر دو، آذین‌بندی با استفاده از یک یا چند گل بوده است.

بنابر این تعجبی ندارد که در توضیحی، بنای زندان را آرامگاه شخص کوروش دانسته (همانجا: ۱۳۴) و پس از رد شدن این نظر آنرا به حدس، آرامگاه کمبوجیه پسر کوروش گرفته‌اند (که جز این حدس اطلاعاتی در مورد محل آن وجود ندارد). مخالفت با این نظر از این قرار بیوده که داریوش به طور تقریباً دقیق به الگوبرداری از «زندان سلیمان» در ساخت بنایی که اینک کعبه زرتشت نام دارد، پرداخته است. کعبه زرتشت در منطقه‌ای ویژه خاکسپاری در دامنه کوه نقش رستم قرار دارد، اما از آنجا که آرامگاه‌های تمامی شاهانی که از تبار داریوش بودند، شناخته شده است، پس کعبه زرتشت نمی‌توانسته آرامگاه هیچیک از آنان باشد و از آنجا که امکان

نداشته کعبه زرتشت پذیرای جسد پادشاهی باشد، بهمین ترتیب نمونه‌های آن، یعنی «زندان سلیمان» نیز آرامگاه شاهی نبوده است. با این وجود که آرامگاه‌های صخره‌ای داریوش و جانشینان او، طوری بنا شده بود که هر یک چندین تابوت را در خود جای می‌داد، کوروش ترجیح داد به تنهایی آرام گیرد. از روی منابع ساسانی می‌دانیم که جسد شاهان و شاهزادگان نه در معرض هوا بلکه در گور نهاده می‌شد. احتمالاً همین امر در مورد ملکه و دیگر همسران شاهان و مادران فرزندان شاهان صدق می‌کرده است. در واقع با قضاوت از روی شرح هرودوت، از روش پارسیان در قرار دادن اجساد در معرض هوا، می‌توان چنین قضاوت کرد که، حتی خارج از خاندان سلطنتی، خاکسپاری مردگان دست کم تا میانه قرن پنجم پیش از میلاد به صورت آئین عمومی اشراف باقی ماند. بنابراین بسیار محتمل است زندان سلیمان که ابعاد اطاق آن در حدی چشم‌گیر بزرگتر از اطاق آرامگاه کوروش است، به عنوان آرامگاهی سلطنتی و به منظور جای دادن پیکر همسران او، و احتمالاً دیگر اعضای کم‌اهمیت‌تر خانواده سلطنتی ساخته شده باشد. به گفته هرودوت کوروش با کاساندان، که خود از خاندان هخامنشی بود ازدواج کرد. به گفته هرودوت کاساندان، کمبوجیه و اسمردس، آتوسا و دختری کوچکتر از او را برای کوروش به دنیا آورد. به گزارش این مورخ یونانی کاساندان بسیار محبوب کوروش بود و «وقتی درگذشت شاه به سوگی بزرگ نشست... و... فرمان داد سراسر شاهنشاهی او چنین کنند» احتمال دارد چنین عشق شاهانه در ساخت آرامگاهی برای کاساندان تجلی یافته باشد.

همچنین نقل شده که کوروش دختر آژی دهاک را به منظور تحکیم دعوی خود نسبت به تخت سلطنت ماد (اتکینسون، ۱۹۵۶: ۷۶) و گزنون: ۵۱۸) به زنی گرفته بود، و با قضاوت از روی آنچه در مورد شاهان هخامنشی بعدی ثبت شده است، می‌توان گفت کوروش همسران کم‌اهمیت‌تر دیگری نیز داشته است که احتمالاً فرزندان برای او به دنیا آورده‌اند. چنانچه تابوت‌های اینان روی پایه‌هایی پلکانی از نقره یا طلا قرار داده می‌شد (و بدین شکل از نظر شکوه به ترتیبات مقبره شخص کوروش نزدیک می‌گردید (آناباسیس: ۴۰۹ - ۴۰۱)، اطاق زندان سلیمان می‌توانست بخوبی آرامگاه تعدادی از افراد خانواده سلطنتی باشد و ظاهراً کعبه زرتشت نیز با هدفی مشابه ساخته شده بود.

اما مخالفتی که با نظریه استفاده تدفینی از زندان شده، بر این پایه استوار است که برج بیش از حد به محوطه کاخ

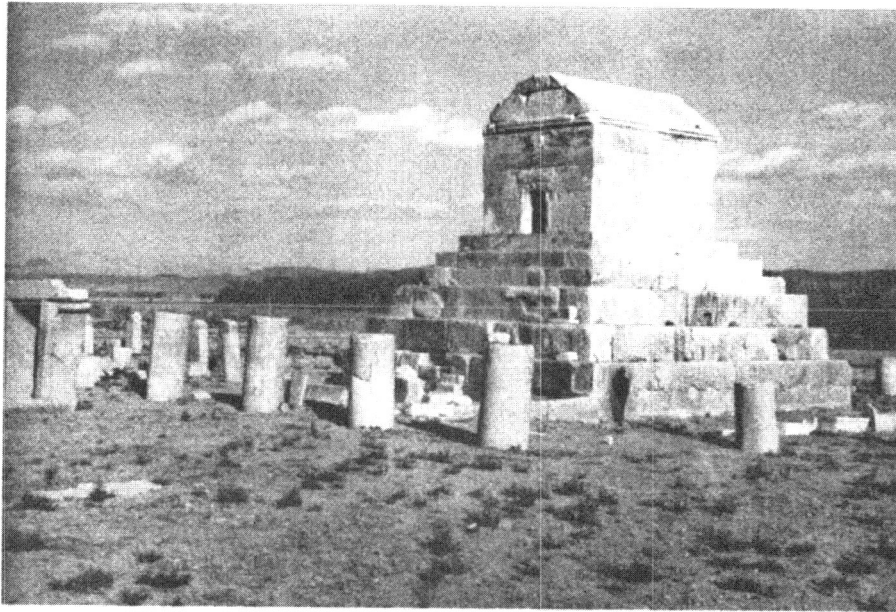
نزدیک است، بجای اینکه مثل آرامگاه کوروش در جایگاهی جدا قرار گرفته باشد. اما بر طبق احکام زرتشتی انتشار آلودگی نامحدود نیست و می‌توان تا سی‌گامی جایگاه مردگان نزدیک شد بدون آنکه پاکی آئینی شکسته شود. بنابراین طراحان زندان، با قرار دادن اطاق در بالای پلکانی مرکب از ۲۹ پله سنگی که از سطحی سنگفرش به بالا می‌رود می‌توانستند کاملاً به این نتیجه رسیده باشند که آرامگاه را آنقدر بالا برده‌اند که هیچ خطر آلودگی برای خاک و رهگذران نداشته باشد. (حدس بر این است که پلکان کعبه زرتشت مرکب از ۳۰ پله کامل بوده). افزون بر این تقریباً قطعی است که محوطه‌ای بسته گرد برج وجود داشته است (استروناخ: ۱۳۰ - ۱۲۹) و همین امر امکان انتقال آلودگی جز به افرادی که برحسب وظیفه به آن محل می‌رفتند را بکلی مرتفع می‌ساخته است.

هیچیک از حدس و گمان‌های دیگر راجع به هدف از ساخت این بنای برجسته، به هیچ روی قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. آشکار است که این بنا به هیچ وجه مناسب آتشکده نیست (صرف نظر از این حقیقت که هیچ نشانه‌ای از پرستش آتش در معبد، در تاریخی چنین قدیم وجود ندارد)، و استفاده از آن به عنوان مخزن خواه برای نگهداری نشانه‌های شاهی، اشیاء آئینی و اسناد، غیرعملی بوده است.

آنچه در مورد ویرانه‌های پاسارگاد جالب است، این است که هیچگونه تدابیری برای ایمنی آن اندیشیده نشده بود. دروازه (سر در خانه) بنایی برای مراسم تشریفاتی بوده است. کاخ‌ها باز؛ و هواگیر بود. تالارها و رواق‌های ستون‌داری و تپه‌ای که تخت سلطنتی روی آن قرار داشت؛ هیچ نشانی از انجام اقدامات دفاعی در دوره‌ای چنین قدیمی در اختیار نمی‌گذارد (همانجا: ۱۵).

آشکار است که کوروش که در قلب پارس، شاهنشاهی بزرگ خود هیچ خطری احساس نمی‌کرد و نیازی بدان نداشت که از روحانیون و مقامات دربار خود بخواهد بطور منظم زحمت بالا رفتن از پلکان‌های سنگی با شیب زیاد را تحمل کرده و به منظور قراردادی اشیاء در محلی امن با درهای سنگی سنگین کلنچار برونند.

به نظر می‌رسد قصد کوروش ساخت کاخهای زیبا به عنوان یادمان عظمت خویش و آرامگاههایی با شکوه بوده تا استخوانهای خود، همسران و فرزندان در آنجا در آرامش و شکوه آرام گیرند، ضمن اینکه از شکستن قوانین پاکیزگی زرتشتی پرهیز شود.^(۱)



آرامگاه کوروش در پاسارگاد



زندان سلیمان

پی‌نوشتها

- تحتانی‌ترین جایگاه پلکانی اثبات کرده است، نک: منبع پیش‌گفته، ص ص ۲۹، ۴۳.
۵. در تداول شناخته شده زرتشتی معمولاً در دخمه رو به شرق بوده است، اما به نظر نمی‌رسد هیچگاه در مورد جهت آن سخت‌گیری شده باشد.
۶. نویسنده معانی مذهبی آرامگاهها را به تفصیل بیشتر در تاریخ زرتشتیگری مورد بحث قرار داده است
History of Zoroastrianism (Handbuch der Orientalistik, ed. B. Spuler, I. 8. I. 22A) Vol. 2. Lidon 1983, Under the Achaemenians, 547;
همچنین در مورد بحثی راجع به پرستش آتش در دوران هخامنشیان و تأسیس آتشکده در قرن چهارم پ، م، نک: ص ص ۳۶ - ۳۷، ۵ - ۲۲۱

۱. در مورد تصاویر عالی از این آرامگاه و توصیف آن نک: همانجا، ص ص ۳۰۲ - ۳۰۰ و لوحه‌های ۱۸۵ - ۱۸۲. در مورد این نظر که ممکن است بنا احتمالاً آرامگاه کوروش جوان بوده باشد نک. علیرضا شهبازی، باستانشناسی و هنر ایران، ۹/۱۰، ۱۹۷۲، ۵۶.
۲. فرستادگان کریستینا، ملکه سوئد به اصفهان در سال ۱۶۳۸ به دیدن آرامگاه رفته و طرحی تهیه کرده‌اند آذین گل سرخی را به شکل دایره‌ای ساده در انتهای ستوری که در آن زمان دست نخورده بود نشان می‌دهد. تصویر این طرح را پیتر بام در کتاب The Great, Power as Density، لندن ۱۹۶۸، ص ۷۹ آورده است (لطف دکتر شهبازی مرا بدین کتاب رهنمون شد).
۳. هم پرفسور دوشن گیمن و هم نویسنده مقاله حاضر بعداً به پذیرش و استفاده از این تفسیر که اینک رد شده پرداختند.
۴. استروناخ این نکته را با پی‌جویی سطح خاک اولیه در برابر